



© ۱۴۰۴ تمامی حقوق انتشار این مقاله متعلق به نویسنده است.
انتشار این مقاله به صورت دسترسی آزاد مطابق با گواهی CC BY-NC 4.0 صورت گرفته است.

تبیین عوامل مؤثر بر تعهد تحصیلی و پیامدهای آن برای ماندگاری یادگیری

مشخصات نویسندگان:

شیوه استناددهی: علوی کیا، مریم سادات، و دانش‌مهر، پریسا. (۱۴۰۴). تبیین عوامل مؤثر بر تعهد تحصیلی و پیامدهای آن برای ماندگاری یادگیری. *یادگیری، تربیت و آموزش مدارس در هزاره سوم*، ۲(۳)، ۱-۱۰.

۱. مریم سادات علوی کیا: گروه برنامه‌ریزی درسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران
۲. پریسا دانش‌مهر*: گروه برنامه‌ریزی درسی، دانشگاه بیرجند، بیرجند، ایران

*پست الکترونیکی نویسنده مسئول: p.daneshmehr81@gmail.com

چکیده

هدف این مطالعه، تبیین عوامل مؤثر بر تعهد تحصیلی و تحلیل پیامدهای آن برای تقویت ماندگاری یادگیری در دانش‌آموزان است. این پژوهش یک مطالعه مروری کیفی است که بر اساس مرور نظام‌مند ۱۵ مقاله علمی معتبر انجام شد. داده‌ها صرفاً از منابع منتشرشده جمع‌آوری و با رویکرد تحلیل محتوای کیفی تحلیل شدند. فرایند تحلیل شامل کدگذاری باز، محوری و انتخابی در نرم‌افزار NVivo نسخه ۱۴ بود و تا رسیدن به اشباع نظری ادامه یافت. یافته‌ها نشان می‌دهند که تعهد تحصیلی تحت تأثیر عوامل فردی شامل خودتنظیمی یادگیری، انگیزش درونی، خودکارآمدی و جهت‌گیری هدف، عوامل آموزشی و مدرسه‌ای شامل کیفیت تعامل معلم-دانش‌آموز، روش‌های تدریس فعال و ساختار محیط کلاس، و عوامل اجتماعی و خانوادگی شامل حمایت والدین، سرمایه اجتماعی و فرهنگ یادگیری خانواده قرار دارد. تعهد تحصیلی نیز موجب پایداری انگیزشی، یادگیری عمیق و معنادار، بهبود پیشرفت تحصیلی، خودراهبری یادگیری، کاهش افت تحصیلی و ارتقای سازگاری تحصیلی می‌شود. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که تقویت تعهد تحصیلی دانش‌آموزان می‌تواند موجب افزایش پایداری یادگیری و بهبود کیفیت یادگیری شود. ترکیب مداخلات فردی، مدرسه‌ای و خانوادگی برای ارتقای تعهد تحصیلی توصیه می‌شود و یافته‌ها می‌تواند به سیاست‌گذاران و معلمان در طراحی برنامه‌های آموزشی و حمایت تحصیلی راهنمایی عملی ارائه دهد.

واژگان کلیدی: تعهد تحصیلی، پایداری یادگیری، انگیزش درونی، خودتنظیمی یادگیری، محیط آموزشی

Submit Date: 31 May 2025
Revise Date: 05 July 2025
Accept Date: 11 July 2025
Publish Date: 23 July 2025



© 2025 the authors. This is an open access article under the terms of the [CC BY-NC 4.0](https://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0/) License.



Explaining the Factors Influencing Academic Engagement and Its Implications for Learning Persistence

How to cite: Alavikia, M. S., & Daneshmehr, P. (2025). Explaining the Factors Influencing Academic Engagement and Its Implications for Learning Persistence. *Learning, Training, and Education in Schools in the Third Millennium*, 2(3), 1-10.

Authors' Information:

1. Maryam Sadat Alavikia: Department of Curriculum Studies, University of Tehran, Tehran, Iran
2. Parisa Daneshmehr*: Department of Curriculum Studies, University of Birjand, Birjand, Iran

Corresponding author's email: p.daneshmehr81@gmail.com

Abstract

The aim of this study was to identify and explain the factors influencing academic engagement and analyze its implications for enhancing learning persistence in students. This research is a qualitative review study based on a systematic analysis of 15 peer-reviewed scientific articles. Data were collected solely from published sources and analyzed using qualitative content analysis. The analytical process involved open, axial, and selective coding in NVivo 14, continuing until theoretical saturation was achieved. The findings indicate that academic engagement is influenced by individual factors, including self-regulated learning, intrinsic motivation, self-efficacy, and goal orientation; educational and school-related factors, including teacher–student interaction quality, active teaching methods, and classroom structure; and social and familial factors, including parental support, social capital, and family learning culture. Academic engagement, in turn, leads to sustained motivation, deep and meaningful learning, improved academic performance, self-directed learning, reduced academic dropout, and enhanced academic adaptability. The results suggest that strengthening students' academic engagement can increase learning persistence and improve learning quality. A combination of individual, school-based, and familial interventions is recommended to enhance academic engagement, and the findings provide practical guidance for educators and policymakers in designing educational programs and supportive interventions.

Keywords: *Academic engagement, Learning persistence, Intrinsic motivation, Self-regulated learning, Educational environment*

مقدمه

در دهه‌های اخیر، تعهد تحصیلی به‌عنوان یکی از بنیادی‌ترین سازه‌های روان‌شناسی تربیتی و علوم یادگیری، جایگاهی محوری در تبیین کیفیت آموزش و پایداری یادگیری یافته است. نظام‌های آموزشی معاصر با چالش‌های پیچیده‌ای همچون افت انگیزش، کاهش مشارکت فعال فراگیران، افزایش نرخ فرسودگی تحصیلی و ناپایداری یادگیری مواجه‌اند؛ مسائلی که نه‌تنها پیامدهای فردی گسترده‌ای دارند، بلکه توسعه سرمایه انسانی و کارآمدی نظام‌های آموزشی را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهند. در چنین بستری، پژوهشگران به‌طور فزاینده‌ای بر نقش تعهد تحصیلی به‌عنوان عامل کلیدی در ارتقای عملکرد تحصیلی، پیشگیری از ترک تحصیل و تثبیت یادگیری پایدار تمرکز کرده‌اند (Fredricks et al., ۲۰۰۴; Appleton et al., ۲۰۰۸). تعهد تحصیلی به‌صورت یک سازه چندبعدی شامل مؤلفه‌های رفتاری، شناختی و عاطفی تعریف می‌شود که نشان‌دهنده میزان مشارکت فعال دانش‌آموز در فرایند یادگیری و پیوند عاطفی و شناختی او با مدرسه است (Skinner et al., ۲۰۰۹; Reschly & Christenson, ۲۰۱۲). این سازه فراتر از حضور فیزیکی در کلاس، بیانگر سرمایه روان‌شناختی و شناختی دانش‌آموز در تجربه یادگیری است و از این رو به‌عنوان یکی از معتبرترین پیش‌بینی‌کننده‌های موفقیت تحصیلی شناخته می‌شود.

تحولات نظری در حوزه انگیزش و یادگیری، زمینه‌ساز درک عمیق‌تری از ماهیت تعهد تحصیلی شده است. نظریه خودتعیین‌گری با تأکید بر نیازهای بنیادین خودمختاری، شایستگی و ارتباط، تبیین می‌کند که چگونه ارضای این نیازها منجر به شکل‌گیری انگیزش درونی و تعهد پایدار به یادگیری می‌شود (Deci & Ryan, ۲۰۰۰; Ryan & Deci, ۲۰۲۰). همچنین نظریه‌های شناختی-اجتماعی، به‌ویژه نظریه خودکارآمدی بندورا، نشان می‌دهند که باورهای فرد درباره توانمندی‌های خود، سطح تلاش، پشتکار و انتخاب‌های تحصیلی را هدایت کرده و از طریق آن بر میزان تعهد تحصیلی اثر می‌گذارند (Bandura, ۱۹۹۷). از منظر نظریه هدف پیشرفت، نوع اهدافی که دانش‌آموز دنبال می‌کند - اهداف تسلط یا عملکرد - چارچوبی شناختی برای تفسیر موقعیت‌های یادگیری فراهم می‌آورد که به‌طور مستقیم بر عمق یادگیری و پایداری تلاش تحصیلی اثرگذار است (Elliot & McGregor, ۲۰۰۱). این چارچوب‌های نظری به‌طور مشترک نشان می‌دهند که تعهد تحصیلی پدیده‌ای ایستا نیست، بلکه حاصل تعامل پویا میان عوامل فردی، آموزشی و اجتماعی است.

از سوی دیگر، یافته‌های تجربی گسترده‌ای تأیید می‌کنند که تعهد تحصیلی نقشی اساسی در کیفیت و ماندگاری یادگیری دارد. دانش‌آموزان با سطح تعهد بالا، درگیر پردازش‌های شناختی عمیق‌تر می‌شوند، راهبردهای خودتنظیمی را به‌کار می‌گیرند و یادگیری را به تجربه‌ای معنادار تبدیل می‌کنند (Zimmerman, ۲۰۰۸; Biggs & Tang, ۲۰۱۱). این فرایندها موجب می‌شود یادگیری از سطح حفظ اطلاعات فراتر رود و به ساخت دانش پایدار منجر شود. همچنین پژوهش‌ها نشان می‌دهند که تعهد تحصیلی با کاهش احتمال افت تحصیلی، ترک مدرسه و فرسودگی آموزشی همراه است و به‌عنوان یک عامل حفاظتی در برابر پیامدهای منفی آموزشی عمل می‌کند (Finn & Zimmer, ۲۰۱۲; Wang & Degol, ۲۰۱۴). در این میان، ماندگاری یادگیری به‌عنوان یکی از اهداف بنیادین نظام‌های آموزشی، مستلزم فرایندهایی است که یادگیری را از یک تجربه کوتاه‌مدت به سرمایه‌ای پایدار در زندگی فرد تبدیل کنند؛ تعهد تحصیلی دقیقاً در مرکز این فرایند قرار دارد.

محیط‌های آموزشی نیز نقشی تعیین‌کننده در شکل‌دهی تعهد تحصیلی ایفا می‌کنند. کیفیت تعامل معلم - دانش‌آموز، روش‌های تدریس و ساختار محیط کلاس از مهم‌ترین متغیرهای زمینه‌ای مؤثر بر مشارکت تحصیلی هستند. روابط حمایتی و احترام‌آمیز با معلم، احساس تعلق به مدرسه و اعتماد به نظام آموزشی را تقویت کرده و زمینه روان‌شناختی لازم برای مشارکت فعال فراگیر را فراهم می‌آورد (Roorda et al., 2010; Wentzel, 2011). همچنین رویکردهای تدریس فعال، مشارکتی و مسئله‌محور، دانش‌آموز را از نقش دریافت‌کننده منفعل دانش به کنشگری فعال در فرایند یادگیری تبدیل می‌کند و از این طریق تعهد تحصیلی و عمق یادگیری را افزایش می‌دهد (Prince, 2004; Freeman et al., 2014). نظام ارزشیابی آموزشی نیز در این میان اهمیت بسزایی دارد؛ ارزشیابی تکوینی و بازخورد مستمر نه تنها عملکرد تحصیلی را بهبود می‌بخشد، بلکه نگرش مثبت به یادگیری و احساس شایستگی را در فراگیر تقویت می‌کند (Black & Wiliam, 2009). در سطح اجتماعی و خانوادگی، تعهد تحصیلی در بستر تعاملات روزمره شکل می‌گیرد. حمایت خانواده، فرهنگ یادگیری حاکم بر محیط خانه و انتظارات والدین از عوامل مؤثر بر نگرش تحصیلی دانش‌آموز هستند (Hill & Tyson, 2009; Jeynes, 2012). سرمایه اجتماعی حاصل از روابط مثبت با همسالان و مشارکت اجتماعی نیز زمینه‌ساز تقویت انگیزش تحصیلی و احساس تعلق به مدرسه است (Putnam, 2000). افزون بر این، وضعیت اقتصادی - اجتماعی خانواده از طریق فراهم‌سازی امکانات آموزشی، دسترسی به منابع و ثبات محیطی، بستر عینی تعهد تحصیلی را شکل می‌دهد (Sirin, 2005). در مجموع، تعهد تحصیلی حاصل هم‌افزایی پیچیده‌ای از عوامل فردی، آموزشی و اجتماعی است که در تعامل با یکدیگر مسیر یادگیری را هدایت می‌کنند.

با وجود حجم گسترده پژوهش‌های انجام‌شده درباره تعهد تحصیلی، خلأ قابل توجهی در یکپارچه‌سازی یافته‌ها و تبیین جامع ارتباط آن با ماندگاری یادگیری مشاهده می‌شود. بسیاری از مطالعات به بررسی روابط دو یا چند متغیر محدود شده‌اند و کمتر به ارائه تصویری نظام‌مند از شبکه عوامل مؤثر بر تعهد تحصیلی و پیامدهای بلندمدت آن پرداخته‌اند. از این رو، انجام یک مطالعه مروری تحلیلی که بتواند با رویکردی کیفی و تلفیقی، ساختار مفهومی تعهد تحصیلی را روشن ساخته و پیامدهای آن برای پایداری یادگیری را تبیین نماید، ضرورتی علمی و کاربردی به‌شمار می‌رود. چنین تحلیلی می‌تواند مبنایی نظری برای سیاست‌گذاری‌های آموزشی، طراحی برنامه‌های درسی و مداخلات تربیتی فراهم آورد و در نهایت به ارتقای کیفیت یادگیری در نظام‌های آموزشی منجر شود.

این مقاله با هدف تبیین عوامل مؤثر بر تعهد تحصیلی و تحلیل پیامدهای آن برای ماندگاری یادگیری تدوین شده است. با اتکا بر مرور کیفی متون علمی معتبر، تلاش شده است تصویری منسجم از ابعاد گوناگون تعهد تحصیلی ارائه شود و جایگاه این سازه در تحقق یادگیری پایدار به‌طور نظام‌مند تبیین گردد. انتظار می‌رود یافته‌های این پژوهش بتواند چارچوبی نظری و کاربردی برای پژوهشگران، معلمان و سیاست‌گذاران آموزشی فراهم آورد و زمینه‌ساز طراحی راهبردهای مؤثر برای تقویت تعهد تحصیلی و ارتقای ماندگاری یادگیری در سطوح مختلف نظام آموزشی شود.

روش‌شناسی

این پژوهش از نظر هدف، بنیادی و از نظر ماهیت، کیفی و مبتنی بر مرور نظام‌مند متون علمی است. طرح پژوهش در چارچوب یک مطالعه مروری تفسیری - تحلیلی انجام شده که با رویکرد تحلیل محتوای کیفی و با هدف تبیین جامع عوامل مؤثر بر تعهد تحصیلی و پیامدهای آن برای ماندگاری یادگیری طراحی شده است. به دلیل ماهیت مروری پژوهش، مشارکت‌کنندگان به صورت مستقیم انسانی نبوده‌اند، بلکه واحد تحلیل شامل اسناد و مقالات علمی منتشرشده در حوزه تعهد تحصیلی، درگیری تحصیلی، انگیزش یادگیری و پایداری یادگیری بوده است. جامعه آماری پژوهش کلیه مقالات علمی معتبر منتشرشده در پایگاه‌های علمی بین‌المللی و داخلی طی بازه زمانی مشخص بوده و نمونه پژوهش شامل ۱۵ مقاله منتخب است که بر اساس معیارهای ورود و خروج پژوهش انتخاب شده‌اند. معیارهای ورود شامل ارتباط مستقیم با موضوع پژوهش، برخورداری از کیفیت علمی مناسب، انتشار در مجلات معتبر داوری‌شده و دارا بودن چارچوب نظری روشن بوده و مقالات فاقد پیوند مفهومی با تعهد تحصیلی یا پیامدهای یادگیری از نمونه حذف شده‌اند. انتخاب مقالات تا رسیدن به اشباع نظری ادامه یافته است؛ به این معنا که پس از تحلیل مداوم داده‌ها، زمانی که مفاهیم جدیدی به چارچوب مفهومی افزوده نشد، فرایند نمونه‌گیری متوقف گردید.

گردآوری داده‌ها صرفاً از طریق مرور نظام‌مند متون و اسناد علمی انجام شده است. جست‌وجوی منابع با استفاده از کلیدواژه‌هایی نظیر *Academic Engagement*, *Student Engagement*, *Learning Persistence*, *Motivation in Education*, *Educational Commitment* و معادل‌های فارسی آن‌ها صورت گرفت. پایگاه‌های اطلاعاتی مورد استفاده شامل *Scopus*, *Web of Science*, *ERIC*, *ScienceDirect*, *Google Scholar* و پایگاه‌های علمی داخلی بوده‌اند. پس از گردآوری اولیه منابع، غربالگری در چند مرحله شامل بررسی عنوان، چکیده و متن کامل انجام شد تا در نهایت ۱۵ مقاله واجد شرایط نهایی انتخاب گردند. تمامی متون منتخب به صورت کامل استخراج و برای تحلیل آماده‌سازی شدند.

تحلیل داده‌ها با رویکرد تحلیل محتوای کیفی و بر مبنای کدگذاری نظام‌مند انجام شد. داده‌ها در نرم‌افزار *NVivo* نسخه ۱۴ وارد شده و فرایند کدگذاری در سه مرحله کدگذاری باز، محوری و انتخابی صورت پذیرفت. در مرحله کدگذاری باز، مفاهیم اولیه از متن مقالات استخراج و برجسب‌گذاری شدند. در مرحله کدگذاری محوری، مفاهیم مشابه در قالب مقوله‌های مفهومی سازمان‌دهی گردیدند و روابط میان آن‌ها شناسایی شد. در نهایت، در مرحله کدگذاری انتخابی، مقوله‌های هسته‌ای که بیشترین تکرار و بیشترین پیوند نظری با تعهد تحصیلی و ماندگاری یادگیری داشتند، به عنوان ساختار مفهومی نهایی پژوهش تثبیت شدند. اعتبار تحلیل از طریق بازبینی مستمر کدها، مقایسه تطبیقی داده‌ها، بررسی همگرایی مفاهیم و اطمینان از دستیابی به اشباع نظری تضمین گردید. این فرایند امکان ارائه تصویری منسجم و نظام‌مند از عوامل مؤثر بر تعهد تحصیلی و پیامدهای آن برای ماندگاری یادگیری را فراهم ساخت.

تعهد تحصیلی به‌عنوان یک سازه چندبعدی، در سطح فردی به‌شدت متأثر از مجموعه‌ای از عوامل روان‌شناختی درونی است که نقش بنیادینی در پایداری فرایند یادگیری ایفا می‌کنند. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که خودتنظیمی یادگیری از طریق فرایندهایی مانند برنامه‌ریزی شخصی، پایش مستمر پیشرفت، مدیریت توجه و کنترل زمان، زمینه‌ساز مشارکت فعال و مستمر دانش‌آموز در فعالیتهای یادگیری می‌شود؛ به‌گونه‌ای که فراگیرانی که مهارت‌های خودتنظیمی بالاتری دارند، مسئولیت یادگیری خود را می‌پذیرند و در مواجهه با موانع تحصیلی پایداری بیشتری از خود نشان می‌دهند (Zimmerman, ۲۰۰۲; Schunk & Zimmerman, ۲۰۱۲). در همین راستا، انگیزش درونی به‌عنوان نیروی محرک اصلی تعهد تحصیلی، زمانی تقویت می‌شود که دانش‌آموز یادگیری را معنادار، لذت‌بخش و همسو با اهداف شخصی خود تجربه کند؛ این امر موجب می‌شود فعالیتهای آموزشی نه صرفاً تکلیف، بلکه بخشی از هویت فردی او تلقی شوند (Deci & Ryan, ۲۰۰۰; Ryan & Deci, ۲۰۲۰). خودکارآمدی تحصیلی نیز با افزایش باور فرد نسبت به توانایی‌هایش، سطح تلاش، پایداری در انجام تکالیف و میزان تاب‌آوری تحصیلی را ارتقا می‌دهد و سبب می‌شود فراگیر در برابر شکست‌های موقت عقب‌نشینی نکند، بلکه آن‌ها را فرصتی برای رشد تلقی نماید (Bandura, ۱۹۹۷; Usher & Pajares, ۲۰۰۸). جهت‌گیری هدف نیز چارچوب شناختی مهمی را برای تفسیر موقعیتهای آموزشی فراهم می‌آورد؛ دانش‌آموزانی که دارای جهت‌گیری تسلط هستند، تمرکز اصلی خود را بر فهم عمیق و رشد توانمندی‌ها قرار می‌دهند، درحالی‌که جهت‌گیری عملکردی بیشتر بر مقایسه اجتماعی و کسب نمره متمرکز است که در بلندمدت می‌تواند بر پایداری تعهد تحصیلی اثر متفاوتی بگذارد (Elliot & McGregor, ۲۰۰۱; Kaplan & Maehr, ۲۰۰۷). در نهایت، شکل‌گیری هویت تحصیلی مثبت از طریق احساس تعلق به محیط آموزشی، درک ارزش تحصیل و تصویر ذهنی روشن از آینده تحصیلی، چارچوبی پایدار برای تداوم تلاش و تعهد فراهم می‌آورد و سبب می‌شود یادگیری به بخشی از خودپنداره فرد تبدیل شود (Eccles & Wigfield, ۲۰۰۲; Oyserman et al., ۲۰۱۲).

در سطح نهادی، کیفیت نظام آموزشی و ویژگی‌های محیط مدرسه نقش تعیین‌کننده‌ای در تقویت یا تضعیف تعهد تحصیلی دارند. تعامل مثبت و حمایتی معلم-دانش‌آموز با ایجاد فضای امن روانی، احترام متقابل و ارائه بازخورد سازنده، احساس ارزشمندی و شایستگی را در فراگیر تقویت کرده و مشارکت تحصیلی او را افزایش می‌دهد (Wentzel, ۲۰۱۰; Roorda et al., ۲۰۱۱). همزمان، به‌کارگیری روش‌های تدریس اثربخش مبتنی بر یادگیری فعال، مشارکتی و مسئله‌محور موجب می‌شود دانش‌آموز نقش کنشگرانه در فرایند یادگیری داشته باشد و مسئولیت شناختی بیشتری را بر عهده گیرد که این امر تعهد تحصیلی را به‌طور معناداری ارتقا می‌دهد (Prince, ۲۰۰۴; Freeman et al., ۲۰۱۴). ساختار منسجم محیط کلاس شامل نظم آموزشی، انتظارات روشن، جو عاطفی مثبت و امنیت روانی نیز بستر لازم برای تمرکز شناختی و تداوم تلاش تحصیلی را فراهم می‌آورد (Wang & Degol, ۲۰۱۶). عدالت آموزشی از طریق ایجاد فرصت‌های برابر، ارزشیابی منصفانه و حذف تبعیض‌های پنهان، احساس اعتماد و تعلق به مدرسه را تقویت کرده و انگیزش تحصیلی پایدار را حمایت می‌کند (OECD, ۲۰۱۸). نظام ارزشیابی کارآمد که بر ارزشیابی تکوینی، بازخورد مستمر و خودارزیابی دانش‌آموز استوار است، نه تنها عملکرد تحصیلی را بهبود می‌بخشد بلکه نگرش مثبت به

یادگیری و تعهد درونی را تقویت می‌کند (Black & Wiliam, ۲۰۰۹). همچنین، حمایت‌های آموزشی مدرسه شامل خدمات مشاوره‌ای، برنامه‌های جبرانی و دسترسی به منابع آموزشی متنوع، به‌عنوان شبکه پشتیبان یادگیری عمل کرده و از فرسودگی تحصیلی جلوگیری می‌نماید (Eccles & Roeser, ۲۰۱۱).

تعهد تحصیلی در خلأ شکل نمی‌گیرد بلکه در بستر تعاملات اجتماعی و خانوادگی رشد می‌کند. حمایت عاطفی و آموزشی خانواده از طریق تشویق، پیگیری امور درسی و ایجاد فضای مناسب مطالعه، نقش کلیدی در تثبیت نگرش مثبت نسبت به یادگیری و افزایش پایداری تحصیلی دارد (Hill & Tyson, ۲۰۰۹; Jeynes, ۲۰۱۲). سرمایه اجتماعی حاصل از روابط مثبت با همسالان، مشارکت در فعالیت‌های گروهی و شبکه‌های حمایتی اجتماعی، حس تعلق و انگیزش تحصیلی را تقویت کرده و یادگیری را به تجربه‌ای اجتماعی و معنادار تبدیل می‌کند (Putnam, ۲۰۰۰; Wentzel & Caldwell, ۱۹۹۷). فرهنگ یادگیری خانواده، زمانی که آموزش و دانش به‌عنوان ارزش محوری در تعاملات روزمره بازنمایی می‌شود، چارچوب شناختی پایدار برای تعهد تحصیلی فراهم می‌آورد (Eccles, ۲۰۰۵). در کنار این عوامل، فشارهای اجتماعی و انتظارات فرهنگی می‌توانند هم نقش تسهیل‌کننده و هم نقش محدودکننده داشته باشند؛ در شرایطی که این فشارها با حمایت عاطفی همراه باشند، انگیزش پیشرفت را تقویت می‌کنند، اما در صورت افراط، ممکن است به اضطراب و فرسودگی تحصیلی منجر شوند (Salili & Hoosain, ۲۰۰۷). نقش همسالان نیز از طریق رقابت سالم، یادگیری مشارکتی و الگوگیری مثبت، جهت‌گیری‌های تحصیلی فرد را شکل می‌دهد (Ryan, ۲۰۰۱). وضعیت اقتصادی-اجتماعی خانواده نیز از طریق فراهم‌سازی امکانات آموزشی، ثبات محیطی و دسترسی به منابع، بستر عینی تعهد تحصیلی را تقویت می‌کند (Sirin, ۲۰۰۵). در نهایت، امنیت عاطفی حاصل از روابط حمایتی خانواده و مدرسه، کاهش استرس تحصیلی و افزایش تمرکز شناختی را در پی داشته و یادگیری پایدار را امکان‌پذیر می‌سازد (Benner & Graham, ۲۰۰۹).

پیامدهای تعهد تحصیلی به‌طور مستقیم در ماندگاری یادگیری بازتاب می‌یابد و نشان می‌دهد که تعهد نه صرفاً یک متغیر روان‌شناختی بلکه زیربنای اصلی پایداری آموزشی است. تعهد تحصیلی بالا موجب شکل‌گیری پایداری انگیزشی می‌شود؛ به این معنا که فراگیر حتی در مواجهه با دشواری‌های تحصیلی نیز سطح تلاش خود را حفظ می‌کند و از مسیر یادگیری خارج نمی‌شود (Fredricks et al., ۲۰۰۴; Martin, ۲۰۱۲). این پایداری زمینه‌ساز یادگیری عمیق و معنادار است، زیرا دانش‌آموز به‌جای حفظ سطحی مطالب، به فهم مفهومی، تفکر انتقادی و انتقال دانش به موقعیت‌های جدید می‌پردازد (Entwistle & Peterson, ۲۰۰۴; Biggs & Tang, ۲۰۱۱). بهبود پیشرفت تحصیلی یکی دیگر از پیامدهای مستقیم تعهد تحصیلی است که از طریق افزایش کیفیت مشارکت شناختی، عاطفی و رفتاری در فعالیت‌های آموزشی حاصل می‌شود (Appleton et al., ۲۰۰۸). تعهد تحصیلی همچنین زمینه‌ساز خودراهبری یادگیری می‌شود؛ فراگیر به‌تدریج توانایی مدیریت مسیر یادگیری، تصمیم‌گیری مستقل و مسئولیت‌پذیری شناختی را کسب می‌کند که این مهارت‌ها نقش کلیدی در ماندگاری یادگیری در طول زندگی دارند (Zimmerman, ۲۰۰۸). کاهش افت تحصیلی، پیشگیری از ترک تحصیل و افزایش ثبات آموزشی از دیگر پیامدهای مهم تعهد تحصیلی است که به‌ویژه در دوره‌های بحرانی تحصیلی اهمیت مضاعف می‌یابد (Finn & Zimmer, ۲۰۱۲). در نهایت، تعهد تحصیلی موجب

ارتقای سازگاری تحصیلی می‌شود؛ به‌گونه‌ای که دانش‌آموز توانایی مواجهه با چالش‌ها، مدیریت فشارهای تحصیلی و حفظ تعادل هیجانی را به دست می‌آورد و این امر یادگیری پایدار و ماندگار را تضمین می‌کند (Ladd et al., ۲۰۱۴).

بحث و نتیجه‌گیری

یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهند که تعهد تحصیلی به‌عنوان یک سازه چندبعدی تحت تأثیر مجموعه‌ای از عوامل فردی، آموزشی و اجتماعی قرار دارد و نقش تعیین‌کننده‌ای در ماندگاری یادگیری ایفا می‌کند. در سطح فردی، خودتنظیمی یادگیری، انگیزش درونی، خودکارآمدی و جهت‌گیری هدف از مهم‌ترین عوامل مؤثر بر تعهد تحصیلی هستند. دانش‌آموزانی که مهارت‌های خودتنظیمی بالاتری دارند، با برنامه‌ریزی و کنترل فعالیت‌های یادگیری خود، توانایی مدیریت زمان، پایش مستمر پیشرفت و تمرکز بر اهداف تحصیلی، درگیر فرایندهای یادگیری فعال شده و تعهد بیشتری نسبت به یادگیری از خود نشان می‌دهند. این یافته با مطالعات پیشین همسو است که نشان داده‌اند مهارت‌های خودتنظیمی با افزایش عملکرد تحصیلی و پایداری یادگیری ارتباط مثبت دارد (Zimmerman, ۲۰۰۲; Schunk & Zimmerman, ۲۰۱۲). انگیزش درونی، به‌ویژه علاقه و لذت از یادگیری و درک معنا و هدف از فعالیت‌های تحصیلی، همچنین زمینه‌ساز تعهد بلندمدت دانش‌آموزان است، که با نتایج پژوهش‌های Deci و Ryan (۲۰۰۰) و Ryan و Deci (۲۰۲۰) همخوانی دارد و تأکید می‌کند ارضای نیازهای روان‌شناختی بنیادین خودمختاری، شایستگی و ارتباط می‌تواند انگیزش درونی و تعهد تحصیلی را تقویت کند. خودکارآمدی نیز نقش تعیین‌کننده‌ای در پایداری تلاش دانش‌آموزان دارد؛ دانش‌آموزانی که به توانمندی‌های خود باور دارند، سطح تلاش و تاب‌آوری بالاتری نشان داده و با وجود شکست‌های موقت، مسیر یادگیری خود را ادامه می‌دهند (Bandura, ۱۹۹۷; Usher & Pajares, ۲۰۰۸). علاوه بر این، جهت‌گیری هدف بر نوع فعالیت‌های تحصیلی، تعمیق یادگیری و استمرار تلاش تأثیر دارد، به‌گونه‌ای که دانش‌آموزانی با جهت‌گیری تسلط، فرایندهای یادگیری عمیق و مفهومی را ترجیح می‌دهند (Kaplan & Maehr, ۲۰۰۷; Elliot & McGregor, ۲۰۰۱). شکل‌گیری هویت تحصیلی مثبت، با ایجاد حس تعلق به مدرسه و ارزش‌گذاری تحصیل، چارچوبی پایدار برای تداوم تعهد ایجاد می‌کند و یادگیری را به بخشی از خودپنداره فرد تبدیل می‌سازد (Eccles & Wigfield, ۲۰۰۲; Oyserman et al., ۲۰۱۲).

در سطح نهادی، کیفیت تعامل معلم و دانش‌آموز، روش‌های تدریس و ساختار محیط کلاس از عوامل کلیدی ارتقای تعهد تحصیلی هستند. یافته‌ها نشان می‌دهند که روابط حمایتی و بازخورد سازنده معلمان موجب افزایش حس شایستگی، تعلق و مشارکت فعال دانش‌آموز در کلاس می‌شود که با نتایج پژوهش‌های Wentzel (۲۰۱۰) و Roorda و همکاران (۲۰۱۱) همسو است. همچنین، روش‌های تدریس فعال، مشارکتی و مسئله‌محور نقش مهمی در ارتقای تعهد تحصیلی دارند؛ این روش‌ها دانش‌آموز را از حالت منفعل به کنشگر تبدیل کرده و باعث می‌شوند دانش‌آموز مسئولیت بیشتری در یادگیری خود بر عهده گیرد (Prince, ۲۰۰۴; Freeman et al., ۲۰۱۴). ساختار محیط کلاس شامل نظم، انتظارات روشن و جو عاطفی مثبت، زمینه تمرکز و مشارکت فعال را فراهم می‌آورد و موجب کاهش استرس و افزایش انگیزش تحصیلی می‌شود (Wang & Degol, ۲۰۱۶). عدالت آموزشی، از طریق فرصت‌های برابر و ارزیابی منصفانه، اعتماد به نظام آموزشی و حس تعلق را تقویت

کرده و نقش حفاظتی در برابر افت انگیزش و فرسودگی تحصیلی دارد (OECD, ۲۰۱۸). نظام ارزشیابی کارآمد و بازخورد مستمر نیز باعث ارتقای عملکرد و تقویت نگرش مثبت به یادگیری می‌شود (Black & Wiliam, ۲۰۰۹). حمایت‌های آموزشی مدرسه، از جمله خدمات مشاوره‌ای و منابع آموزشی، نیز به‌عنوان شبکه حمایتی موجب کاهش فشارهای تحصیلی و افزایش ماندگاری یادگیری می‌شوند (Eccles & Roeser, ۲۰۱۱).

در سطح اجتماعی و خانوادگی، حمایت والدین، فرهنگ یادگیری حاکم بر خانواده و سرمایه اجتماعی حاصل از روابط همسالان، نقش قابل توجهی در تقویت تعهد تحصیلی و پایداری یادگیری دارند. یافته‌ها نشان می‌دهند دانش‌آموزانی که خانواده‌های حمایتگر و فرهنگ یادگیری مثبت دارند، تمایل بیشتری به مشارکت فعال در کلاس، پیگیری تکالیف و تمرکز بر اهداف تحصیلی دارند (Jeynes, ۲۰۰۹; Hill & Tyson, ۲۰۱۲). سرمایه اجتماعی، به ویژه ارتباط با همسالان و مشارکت در فعالیت‌های گروهی، انگیزش تحصیلی و حس تعلق به مدرسه را افزایش می‌دهد و یادگیری را به تجربه‌ای اجتماعی و معنادار تبدیل می‌کند (Wentzel & Caldwell, ۱۹۹۷; Putnam, ۲۰۰۰). وضعیت اقتصادی - اجتماعی خانواده، از طریق فراهم‌سازی امکانات آموزشی و دسترسی به منابع، بستر عینی تقویت تعهد تحصیلی را فراهم می‌آورد (Sirin, ۲۰۰۵). امنیت عاطفی حاصل از حمایت خانواده و مدرسه نیز موجب کاهش اضطراب، تمرکز بهتر و ارتقای یادگیری پایدار می‌شود (Benner & Graham, ۲۰۰۹).

پیامدهای تعهد تحصیلی برای ماندگاری یادگیری نیز در این پژوهش تأیید شد. تعهد تحصیلی بالا موجب پایداری انگیزشی، یادگیری عمیق و معنادار، بهبود پیشرفت تحصیلی، توسعه خودراهبری یادگیری، کاهش افت تحصیلی و ارتقای سازگاری تحصیلی می‌شود (Fredricks et al., ۲۰۱۱; Biggs & Tang, ۲۰۱۲; Martin, ۲۰۱۲; al., ۲۰۰۴). این یافته‌ها با پژوهش‌های پیشین همخوانی دارد که نشان می‌دهند تعهد تحصیلی نه تنها عملکرد تحصیلی را بهبود می‌بخشد، بلکه یادگیری را به تجربه‌ای پایدار و مقاوم در برابر فرسودگی تبدیل می‌کند (Appleton et al., ۲۰۰۸; Zimmerman, ۲۰۰۸). دانش‌آموزان با تعهد بالا، مسئولیت‌پذیری، استقلال در تصمیم‌گیری و مدیریت مسیر یادگیری را تجربه می‌کنند و این مهارت‌ها عامل کلیدی برای ماندگاری یادگیری در طول زندگی هستند (Zimmerman, ۲۰۰۸).

با وجود یافته‌های ارزشمند، این پژوهش دارای محدودیت‌هایی است. نخست، ماهیت کیفی و مروری پژوهش، امکان تعمیم یافته‌ها به تمامی جوامع و محیط‌های آموزشی را محدود می‌سازد. دوم، انتخاب مقالات بر اساس معیارهای خاص و محدود به ۱۵ مقاله منتخب بوده است که ممکن است برخی دیدگاه‌ها و شواهد علمی مرتبط از دست رفته باشند. سوم، استفاده از پایگاه‌های اطلاعاتی خاص و تمرکز بر مقالات منتشر شده به زبان فارسی و انگلیسی ممکن است تنوع فرهنگی و آموزشی در دیگر جوامع را منعکس نکند. این محدودیت‌ها باید در تفسیر یافته‌ها و کاربرد آن‌ها در محیط‌های آموزشی مختلف مدنظر قرار گیرند.

برای پژوهش‌های آینده پیشنهاد می‌شود که علاوه بر مرور متون، مطالعات تجربی و پیمایشی در مقیاس بزرگ انجام شود تا رابطه علی میان عوامل فردی، خانوادگی، مدرسه‌ای و تعهد تحصیلی بررسی گردد. همچنین، بررسی تفاوت‌های فرهنگی، جنسیتی و مقطعی در تعهد تحصیلی و پیامدهای آن می‌تواند درک جامع‌تری از این سازه فراهم آورد. پژوهش‌های آینده می‌توانند از مدل‌های کمی و کیفی تلفیقی استفاده کنند

تا شبکه‌های پیچیده اثرگذاری عوامل مؤثر بر تعهد تحصیلی را به صورت نظام‌مند تحلیل نمایند و شاخص‌های قابل سنجش برای ماندگاری یادگیری ارائه کنند.

از منظر کاربردی، یافته‌های این پژوهش می‌تواند راهنمای عملی برای معلمان، مدیران و سیاست‌گذاران آموزشی باشد. توصیه می‌شود که برنامه‌های آموزشی و مداخلات تربیتی به گونه‌ای طراحی شوند که مهارت‌های خودتنظیمی، انگیزش درونی و خودکارآمدی دانش‌آموزان تقویت شود. ایجاد تعاملات مثبت معلم-دانش‌آموز، روش‌های تدریس فعال و مشارکتی، عدالت آموزشی و نظام ارزشیابی مؤثر می‌تواند تعهد تحصیلی را ارتقا دهد. همچنین، آموزش والدین برای حمایت تحصیلی، ایجاد فرهنگ یادگیری مثبت در خانواده و تقویت شبکه‌های اجتماعی همسالان از جمله راهکارهای مؤثر در افزایش پایداری یادگیری دانش‌آموزان است. استفاده همزمان از این راهبردها می‌تواند به افزایش تعهد تحصیلی و تثبیت یادگیری پایدار در طول زندگی منجر شود و نظام آموزشی را به سمت کارآمدی و کیفیت بالاتر هدایت نماید.

مشارکت نویسندگان

در نگارش این مقاله تمامی نویسندگان نقش یکسانی ایفا کردند.

تعارض منافع

در انجام مطالعه حاضر، هیچ‌گونه تضاد منافی وجود ندارد.

موازین اخلاقی

در تمامی مراحل پژوهش حاضر اصول اخلاقی مرتبط با نشر و انجام پژوهش رعایت گردیده است.

تشکر و قدردانی

از تمامی کسانی که در انجام این پژوهش ما را همراهی کردند تشکر و قدردانی به عمل می‌آید.

References

- Appleton, J. J., Christenson, S. L., & Furlong, M. J. (2008). Student engagement with school: Critical conceptual and methodological issues. *Psychology in the Schools, 45*(5), 369–386.
- Bandura, A. (1997). *Self-efficacy: The exercise of control*. New York: Freeman.
- Biggs, J., & Tang, C. (2011). *Teaching for quality learning at university*. McGraw-Hill.
- Black, P., & Wiliam, D. (2009). Developing the theory of formative assessment. *Educational Assessment, Evaluation and Accountability, 21*, 5–31.
- Deci, E. L., & Ryan, R. M. (2000). The “what” and “why” of goal pursuits: Human needs and the self-determination of behavior. *Psychological Inquiry, 11*, 227–268.
- Elliot, A. J., & McGregor, H. A. (2001). A 2×2 achievement goal framework. *Journal of Personality and Social Psychology, 80*, 501–519.
- Finn, J. D., & Zimmer, K. S. (2012). Student engagement: What is it? Why does it matter? In S. Christenson et al. (Eds.), *Handbook of research on student engagement* (pp. 97–131). Springer.
- Freeman, S., et al. (2014). Active learning increases student performance. *PNAS, 111*(23), 8410–8415.
- Fredricks, J. A., Blumenfeld, P. C., & Paris, A. H. (2004). School engagement: Potential of the concept. *Review of Educational Research, 74*, 59–109.

- Hill, N. E., & Tyson, D. F. (2009). Parental involvement in middle school. *Developmental Psychology, 45*, 740–763.
- Jeynes, W. (2012). A meta-analysis on the effects of parental involvement. *Urban Education, 47*, 706–742.
- Prince, M. (2004). Does active learning work? *Journal of Engineering Education, 93*, 223–231.
- Putnam, R. D. (2000). *Bowling alone*. Simon & Schuster.
- Roorda, D. L., et al. (2011). The influence of affective teacher–student relationships. *Review of Educational Research, 81*, 493–529.
- Ryan, R. M., & Deci, E. L. (2020). *Intrinsic motivation and self-determination in human behavior*. Springer.
- Sirin, S. R. (2005). Socioeconomic status and academic achievement. *Review of Educational Research, 75*, 417–453.